

نمایشگاه مطبوعات تازه به صورت رسمی شروع شده بود که از مهندس فائق‌ی به عنوان اولین مهمان روزنامه «شرق» دعوت کردیم تا به غرفه بیاید و او مثل همیشه خوش‌قول و سروقت از راه رسید. با همان زبان شیرینش بحث را شروع کرد و سر صحبت بازشد. وقتی متوجه شد که قرار است از او درباره معاون سازمان تربیت‌بدنی بودن سوال کنیم شستش خبردار شد! «می‌دانم «داربی» نزدیک است!» متوجه شده بود که قرار است درباره مباحث مبهمی حرف بزنیم که در زمان مدیریت او در «داربی» رخ داده بود.

«جناب مهندس! برویم سراغ «داربی»‌ها؟

راستش خاطره خوبی از «داربی» ندارم!

«چرا؟ شما که به عنوان مدیر سازمان، داربی‌های زیادی را تجربه کرده‌اید.

من تازه به عنوان معاون سازمان منصوب شده بودم و سال ۷۳ اولین داربی‌ای بود که تجربه می‌کردم. از شانس بد من، آن بازی، جنجالی شد و نیمه‌کاره ماند. بدتر از همه اینکه ورزشگاه هم‌به‌هم ریخت و تماشاگران صندلی‌ها را وسط میدان ریختند!

«و شما هم انتظارش را نداشتید…

واقعیت این است که قبل از آن «داربی» می‌شد حدس زد که بازی، پایان خوبی ندارد؛ پرسپولیس‌ها به یکی از بازیکنان استقلال گیر داده بودند که قرارداد او ثبت نشده است و نباید بازی کند. البته بحث مهم‌تری هم وجود داشت که مربوط به مدیریت تیم‌ها بود؛ آقای عابدینی قبل از اینکه مدیرعامل پرسپولیس شوند، رییس فدراسیون بودند و در زمان برگزاری آن بازی هم مصطفوی رییس فدراسیون فوتبال بود.

«با معنی می‌گویید شروع «داربی» جنجالی از اینجا بود؟

استنباط من این بود که این دو نفر می‌خواستند هرطور شده از خجالت یکدیگر دریابند! به هر حال از شانس بد، آن بازی هم نیمه‌کاره ماند و قرار شد بدون تماشاگر در بندرعباس برگزار شود. اتفاق جالب‌تر اینکه آقای مصطفوی همان‌روز همه را جمع کردند و بلافاصله در کمترین زمان ممکن، رای کمیته انضباطی هم صادر شد که در نوع خودش بی سابقه بود. آنجا بود که حدسم به یقین بیشتر نزدیک شد که تقابل مصطفوی و عابدینی تاثیرگذار بود. صادرکردن رای معمولاً چند روز طول می‌کشید ولی در عین نابوری روز شنبه محرومیت‌ها اعلام شده بود و هر دو تیم تارومار شده بودند! در آن زمان فدراسیون هر رای‌ی که می‌داد، تمام شده بود. بالاخره من دیدم که تیم‌ها بازیکنان را نیاز دارند و همان زمان بود که کمیته انضباطی دیگری راه انداختیم که تجدیدنظری بر آرای صادرشده، شود که البته این روزها به اسم کمیته استیناف شناخته می‌شود. آن موقع قانون این بود که شکایت‌ها باید به سازمان برده می‌شد و خارج از فدراسیون بود. برای اینکه این کمیته رسمیت پیدا کند خیلی زود این شکایت‌ها را به شورایعالی ورزش بردیم و مصوبه گرفتیم.

«حالا تاثیری هم داشت؟

در واقع اتفاقات آن «داربی» دو رویکرد داشت: یکی اینکه باعث تشکیل کمیته تجدیدنظر شد و بعدی هم اینکه مصوب شد برای «داربی» داور خارجی بیاوریم.

«با معنی داور «داربی» سال ۷۳ خیلی بد بود که به چنین نتیجه‌ای رسیدید؟

داوری آن روز نه، داوری بدی نبود ولی او هم تحت‌تاثیر تماشاگران قرار گرفته بود، مثل بقیه ما.

«خب شما چرا تحت‌تاثیر تماشاگران بودید؟

این انتقاد همان موقع هم وارد بود. راستش این تماشاگران، دارایی ما هستند و اگر اینها نباشند حضور ما بی‌معناست. ببینید وقتی بازی پشت درهای بسته انجام می‌شود که مسابقه لذتی ندارد. ما برای حفظ تماشاگران به این موضوع تن دادیم که کمی از اختیارات مدیریتی‌مان را از دست بدهیم ولی تماشاگران را حفظ کنیم؛ اما این روزها ما به خاطر درآمد کوچک‌تر دارایی بزرگ‌تر را از دست می‌دهیم. دارایی بزرگ‌تر همین تماشاگران هستند. این روزها تعداد تماشاگران را در ورزشگاه‌ها ببینید. «داربی» مسا «داربی» تماشاگران است و اگر آنها نباشند که بازی لذتی ندارد.

«خب می‌توانستید این تماشاگران را مدیریت کنید.

به هر حال تماشاگران در آن زمان وقتی عصبانی می‌شدند جو تخریبی به وجود می‌آمد و برای جلوگیری از آن جو، دیگر چاره‌ای نداشتیم که به برخی مسایل تن بدهیم. ما یکی، دو روز قبل از بازی دیگر بیچاره می‌شدیم (می‌خندد). اضطراب آنقدر بالا می‌رفت که به هر دری می‌زدیم تا بازی، مساوی تمام شود.

«با معنی راحت به مسوولان دو تیم می‌گفتید مساوی کنند؟

نه اینکه اسم مساوی را به زبان بیاوریم ولی ته دلمان این بود که مساوی شود. واقعیت این است که جرات به زبان آوردن این

ورزش



ترکس اقلی، برزیل.

گفت‌وگوی متفاوت سعید فائق‌ی درباره بازی بزرگ پایتخت

خاتمی هم نگران «داربی» بود

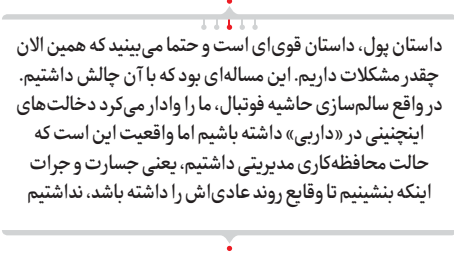
سجاد فیروزی

«پیش از «داربی» با چه افرادی صحبت می‌کردید؟ یعنی به بازیکنان و مربیان هم می‌گفتید؟

چند روز قبل از «داربی» به هتل محل اردوی دو تیم می‌رفتم. یکی، دو روز قبل هم که شام و ناهار مشترک می‌دادیم و از آقای هاشمی‌طبا خواهمش می‌کردیم که بیاید و توصیه‌های مدیریتی‌ای که بیشتر مبنی بر حفظ آرامش در حین بازی بود، بکنند. قبل از اینکه بازی شروع شود به رختکن هم می‌رفتم و باز خواهش می‌کردم که آرام بازی کنید. وسط بازی هم باز به رختکن می‌رفتم.

«با معنی بین دو نیمه؟

بله. اگر جوانمردانه بازی کرده بودند، تشکر می‌کردم و می‌گفتم ادامه بدهید!



«بازیکنان به حرفتان گوش می‌کردند؟

الان که مرور می‌کنم می‌بینم بچه‌ها در آن زمان محبت کرده و

آبروداری می‌کردند.

«خب توقع دیگری داشتید؟

نه. نه با ما تند برخورد می‌کردند و نه خدای‌ناکرده پرخاشگری می‌کردند.

«با معنی هیچ‌کس هیچ اعتراضی نداشت؟

یکی، دو بار پیش آمده بود که از نگاهشان می‌خواندم که فلانی بس است دیگر! دست بردارید! اما انصافاً رعایت حال می‌کردند.

«با معنی در رختکن هم نمی‌گفتید مساوی کنید؟

خدا شاهد است جرات گفتنش را نداشتم ولی منظور حرف‌هایم این بود! در واقع داشتیم लगा می‌کردیم.

«با معنی کی می‌دادید که اگر مساوی شود، خیلی خوب است.

بله. همین‌طور است. فقط کلمه مساوی را به کار نمی‌بردیم. به قول همان مثال معروف که می‌گوید «خودش را بیاور، اسمش را نیاور!» ما این‌طور برخورد می‌کردیم.

«درباره داوران چطور؟ پیش آمده بود که آنها را هم توجیه کنید که «داربی» باید مساوی شود؟

نه. بحث اینکه بازی باید مساوی شود، وجود نداشت ولی آنها را توجیه می‌کردیم.

«چطور؟

شرایط را برای آنها توضیح می‌دادیم. از هواداران دوآتشه می‌گفتم. می‌گفتم‌یم اگر اشتباه کنید بازی به خشونت کشیده می‌شود. برای داوران، فیلم داربی‌های قبلی را پخش می‌کردیم و خشونت‌های رخ‌داده‌شده را می‌دیدند. توجیه در این سطح وجود داشت.

«و برسیم به همان بازی معروف، داربی چهل‌وهفتم‌که پرسپولیس ۹ نفره شد و بعد از چند سال، استقلال‌ها اعلام کردند به ما گفته بودند «داربی» مساوی شود. خود شما اشاره‌ای مختصر کرده بودید البته.

ببینید: آن بازی را دیگر نمی‌شد مساوی کرد. اتفاقات زیادی رخ داده بود و بحث مساوی شدن نبود. کار ما این بود که تنش را کاهش دهیم.

«منظورتان تنش‌های کنار زمین بود؟

آن روز علی پروین به‌شدت عصبانی بود و می‌خواست تیم را بیرون بکشد. اگر این اتفاق می‌افتاد و بازی نیمه‌تمام می‌ماند، طبیعتاً آشوب می‌شد و وضعیت خوبی نبود. من رفتم علی‌آقا را راضی‌کنم که این کار را نکنند ولی آنقدر عصبانی بود که به من پرخاش کرد. دیدم نه، حرف‌زدن با علی‌آقا کار من نیست. به همین خاطر رفتم سراغ آقای پیروانی، کاپیتان تیم پرسپولیس. به او گفتم تو این‌بار به حرف علی آقا گوش نکن و اگر گفت تیم را بیرون بیاور، این کار را نکن!

«ولی غائله بزرگ‌تر از این حرف‌ها بود.

بله. به همین خاطر رفتم رختکن و زنگ زدم به فتح‌الله‌زاده.

گفتم به دادمان برسید که شرایط اصلاً خوب نیست. به او گفتم سعی کن هر طور می‌توانی بچه‌های تیمت را آرام کنی.

«ولی تنش اصلی را داور مسابقه به وجود آورد.

اتفاقاً سراغ داور هم رفتم و با عصبانیت به او اعتراض کردم که آقا این چه طرز سوت‌زدن است! ما قبل از بازی شرایط را برای شما توضیح داده‌ایم و بعد دوتا دوتا اخراج می‌کنید؟!

«پس صحبت استقلال‌ها چی شد؟ آنها می‌گفتند سفارش گرفته‌اند تا بازی را مساوی کنند.

ایسن حرف‌ها به خاطر صحبت‌هایی بود که من با فتح‌الله‌زاده کردم. به او گفتم بچه‌ها را آرام کن!

«بچه‌ها را آرام کن، هم معنی ویژه‌ای داشت؟

خب معنیش این می‌شد که کل نزنند دیگر! (می‌خندد)

«ولی استقلال‌ها مصمم بودند شکست سنگینشان در سال ۵۲ را تلافی کنند.

نه. آن اتفاق که استقلال بخواهد شش گل را جبران کند، نمی‌افتاد! فکر کنیم استقلال آن روز این توانایی را داشت که شش گل بزند؟ نه این‌طور نبود. این یک واقعیت است. ولی هنوز خوشحالم که علی آقا تیم را بیرون نیاورد. اگر این اتفاق رخ می‌داد، من نمی‌توانستم ورزشگاه را جمع کنم و کل نگرانی‌ام این بود.

«تصور اینکه با پروین عصبانی روبه‌رو شده‌اید هم ترسناک است!

واقعیت این بود که اگر علی آقا تصمیم جدی می‌گرفت تیم را بیرون بیاورد، حتما این کار را می‌کرد و در این مورد تردیدی نداشتم؛ ما هم نمی‌توانستیم جلو این اتفاق را بگیریم.

«آقای فائق‌ی این اتفاقات، انگ بی‌برنامگی را به سازمان وقت می‌زند که نمی‌توانست یک بازی بزرگ را مدیریت کند. یعنی نگران این نیستید که از شما به عنوان مدیری ضعیف یاد شود؟

ببینید، اتفاقات زیادی رخ داده بود که ما را وادار به انجام این کار می‌کرد.

«با می‌خواهید چند نمونه‌اش را بگویید؟

حتما درباره شرط‌بندی‌های کلان در فوتبال، به‌ویژه در «داربی» مطلع هستید. اتفاقاتی که حتی اوت‌رفتن و کرن‌شدن توپ هم باعث جابه‌جایی پول‌های زیادی می‌شد. این شرط‌بندی‌ها بعضا رقصشان چنان بالا بود که امنیت بازی را به هم می‌ریخت.

«منظورتان شرط‌بندی بین بازیکنان و اعضای تیم‌هاست؟

نه. شرط‌بندی کنار زمین رقم می‌خورد.

«با معنی مجموعه تیم‌ها را دربر نمی‌گرفت؟ آدم‌هایی که اطراف تیم باشند؟

بالاخره... (مکث می‌کند) آن شرط‌بندی‌ها در اصل بازی تاثیر می‌گذاشت. داستان پول، داستان قوی‌ای است و حتما می‌بینید که همین الان چقدر مشکلات داریم. این مساله‌ای بود که با آن جالش داشتیم. در واقع سالم‌سازی حاشیه فوتبال، مسا را وادار می‌کرد دخالت‌های اینچنینی در «داربی» داشته باشیم اما واقعیت این است که حالت محافظه‌کاری مدیریتی داشتیم، یعنی جسارت و جسارت اینکه بنشینیم تا وقایع روند عادی‌اش را داشته باشد، نداشتم.

«شما اطلاعی از این شرط‌بندی‌ها داشتید؟

بالاخره اطلاعاتی به دست ما در این مورد رسیده بود و از طرفی می‌دانستیم لیج و لجبازی بین دو مدیر فوتبالی وجود دارد و اینها می‌توانست جریان بازی را به هم بریزد. وقتی چنین اطلاعاتی دارید، چاره‌ای برایتان نمی‌ماند به غیر از اینکه عکس‌العمل نشان دهید.

«رقم شرط‌بندی‌ها را می‌دانستید؟

خیلی بالا بود.

«چقدر مثلا؟

در آن زمان، رقم بلیت‌فروشی و تبلیغ دور زمین ما می‌شد پنج‌میلیون تومان! بعد می‌دیدیم کوچک‌ترین رقم شرط‌بندی، اختلاف چندبرابری با کل درآمد ما دارد!

«اطلاعات دیگری هم داشتید؟

بله. در مورد «داربی» نیست ولی درباره تیم‌ملی فوتبال است. روزی دو عزیز در دفتر من نشسته و مشغول صحبت‌کردن بودند و در لابه‌لای صحبتشان یکی به دیگری گفت دیدی فلانی از تیم‌ملی خط خورد؟ اول فکر کردم این موضوع شایعه است ولی ساعت دو خبر را دنبال می‌کردم و دیدم چه جالب! همان اتفاقی افتاد که حرفش را می‌زدند! بلند شدم به سرعت رفتم پیش خدایامرز رنجبر که آن زمان سرپرست تیم‌ملی بود و گفتم الان در اتاق من چنین بحثی بود؛ واقعیت دارد؟ یعنی از بیرون، تیم‌ملی را هدایت می‌کنند؟ بنده‌خدا به من گفت بعید می‌دانم که من هم کل ماجرا را تعریف کردم.

ادامه در صفحه ۱۳

جدول ۲۱۲۹ ■ طراح: ییزن گورانی

افقی:

۱- آماده و فراهم- از باشگاه‌های فوتبال فرانسه
۲- حمام خودروها- لبه تیز شمشر- تکرار حرفی ۳-
۴- قهقهه قدیمی- رشته‌فرنگی- کشور هزار رودخانه
۵- زیر سر گذاشته بخوایید- برکه دریافت کالا- خرگوش عرب
۵- مجموعه دستگاه گوارش- دربارزکن‌برقی- بدون آستر
۶- از القاب حضرت‌علی(ع)- شب سی‌ام‌آذر- تخصصی
۷- میوه صدانه یاقوت- بخش مهم و اصلی از هرچیز- زیرک و باهوش
۸- عضوی در صورت- قاره کهن- روشنی تصویر- قلیل، اندک
۹- قرار گرفته در جایی- سودمند- دردناک
۱۰- خوردنی ناخوشایند- طلبکار- اهل شهر بادگیرها
۱۱- لاستیک رومی چرخ خودرو- فرمانده گله گرگ‌ها- حرف محرمانه
۱۲- آتشگیره- روحانی یهودی- بعضی اوقات
۱۳- نویسنده فرانسوی نمایشنامه «دست‌های آلوده»- نفرت- درون چیزی
۱۴- حرف پیروزی- همانندی- قیامت
۱۵- شاعر فقید و برگزیده ۲۰سال شعر جنگ کشورمان و سراینده مجموعه شعر «از آسمان سبز» - سزار.

عمودی:

۱- حیلِه و نیرنگ- پس از رمضان- سردار رومی که مغلوب سوزنا شد
۲- بازیکن خط میانی - از فروغ دین اسلام- بهره‌مند و کامیاب
۳- مساوی- محو و ناپدیدکردن- ماه دهم میلادی
۴- تخمک- زین و برگ اسب- رشه‌خواری
۵- هدایت‌کردن - صاحب بوستان و گلستان- خام‌م
۶- موی گوسفند- غیر اصلی- قلعه حکومتی- از دل پرسوز برآید
۷- چین و چروک پوست-

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۸	۳	۷	۱	۹	۵	۲	۴	۶	۱۰	۴	۵	۹	۶	۳
۵	۶	۳	۸	۱	۷	۹	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶	۳
۷	۱	۴	۲	۵	۳	۸	۱	۶	۵	۳	۸	۱	۶	۵
۹	۸	۲	۵	۶	۳	۱	۷	۱۰	۴	۵	۹	۶	۳	۱
۲	۴	۸	۹	۷	۱	۶	۵	۳	۱۰	۴	۵	۹	۶	۳
۳	۹	۱	۵	۶	۳	۷	۸	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶
۶	۷	۵	۲	۸	۳	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶	۳	۱

۱	۵	۷	۸	۳	۹	۶	۴	۲	۱۰	۴	۵	۹	۶	۳
۸	۳	۷	۱	۹	۵	۲	۴	۶	۱۰	۴	۵	۹	۶	۳
۴	۹	۵	۶	۳	۷	۸	۱	۶	۵	۳	۸	۱	۶	۵
۹	۸	۲	۵	۶	۳	۱	۷	۱۰	۴	۵	۹	۶	۳	۱
۲	۴	۸	۹	۷	۱	۶	۵	۳	۱۰	۴	۵	۹	۶	۳
۳	۹	۱	۵	۶	۳	۷	۸	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶
۶	۷	۵	۲	۸	۳	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶	۳	۱

جدول ۲۱۲۸

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۴	۵	۶	۳	۷	۸	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶	۳
۲	۴	۵	۶	۳	۷	۸	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶	۳
۳	۹	۱	۵	۶	۳	۷	۸	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶
۴	۹	۱	۵	۶	۳	۷	۸	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶
۵	۶	۳	۷	۸	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶	۳	۷	۸
۶	۳	۷	۸	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶	۳	۷	۸	۲
۷	۸	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶	۳	۷	۸	۲	۴	۱۰
۸	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶	۳	۷	۸	۲	۴	۱۰	۴
۹	۶	۳	۷	۸	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶	۳	۷	۸
۱۰	۴	۵	۹	۶	۳	۷	۸	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶
۱۱	۴	۵	۹	۶	۳	۷	۸	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶
۱۲	۴	۵	۹	۶	۳	۷	۸	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶
۱۳	۴	۵	۹	۶	۳	۷	۸	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶
۱۴	۴	۵	۹	۶	۳	۷	۸	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶
۱۵	۴	۵	۹	۶	۳	۷	۸	۲	۴	۱۰	۴	۵	۹	۶

سودوکو سخت ۱۱۲۶

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۱۲۶

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.